

نقش اقتصادی شهرهای جهانی در قدرت ملی کشورها

دکتر سیدموسی پورموسوی^۱، حسین محمدیان^۲، محمدهادی پوینده^۳ و حسین خراشادی‌زاده^۴

چکیده

قرن بیست و یکم قرن شهرهاست، چرا که اکنون بیش از نیمی از مردم دنیا شهرنشین‌اند، بر این اساس اغلب صاحب‌نظران علوم اجتماعی و انسانی بر این باورند که سرنوشت بشر امروز و آینده در شهرها رقم می‌خورد. قدرت ملی به عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، ویژگی و صفت جمعی برای افراد یک ملت را منعکس می‌کند و همزمان به عنوان یک صفت فردی در رابطه با یک کشور و یک دولت تجلی پیدا می‌کند. قدرت وقتی در قالب یک جامعه یا ملت نگریسته می‌شود، از برآیند توانایی‌های آن جامعه، قدرت عمومی و کلی آن پدیدار می‌شود. بنابراین مجموعه انسان‌هایی که تشکیل ملتی را داده که در شکل یک کشور سازمان سیاسی پیدا کرده‌اند، دارای قدرتی هستند که از برآیند قوای ترکیب شده آنها بدست می‌آید و می‌توان آن را قدرت ملی آن کشور یا ملت دانست جهان‌شهرها به این دلیل در قدرت ملی کشورها مؤثرند که به مثابه مراکز فرماندهی اقتصاد جهانی و کانون‌هایی حیاتی جریان کالاها، افراد و عقاید، می‌توانند به تولید قدرت و فرصت‌سازی برای پیشبرد نقطه نظرات، سیاست‌ها، اهداف و برنامه‌های کشور خود در سطح منطقه‌ای و جهانی عمل کنند.

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش اقتصادی شهرهای جهانی در قدرت ملی کشورها می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، با ملاحظه وضعیت فعلی قدرت ملی کشورها و تعداد شهرهایی که در روند جهانی شدن دارای رتبه‌های بالا هستند می‌توان دریافت که رابطه مستقیمی بین جهانی شدن و سیاست‌های توسعه‌ای و فراملی کشورها و پیدایی شهرهای جهانی وجود دارد و به مقداری که یک کشور در اقتصاد، سیاست، امنیت و فرهنگ بین‌المللی و جهانی صاحب جایگاه و نقش است به همان نسبت شهرهای آن کشور هم وارد عرصه جهانی می‌شوند.

کلیدواژه‌گان: قدرت ملی، شهر جهانی، نقش اقتصادی، شبکه جهانی.

۱. استادیار دانشگاه امام حسین (ع)

۲. دانشجوی دوره دکترای رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه خوارزمی

۳. دانشجوی دوره دکترای رشته جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

۴. دانشجوی دوره دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی

مقدمه

شهرها از دیرباز کانون تحولات بشری بوده‌اند. قبل از این که امپراتوری‌ها و دولت - ملت‌ها تشکیل شوند، شهرها با یکدیگر در ارتباط مستقیم به سر می‌بردند. از دولت شهرهای یونان باستان تا شهرهای دوران قرون وسطی و دوران اسلامی، همچنان این شهرها بودند که ارتباطات تجاری، فرهنگی و اجتماعی بین جوامع را به صورت مستقیم و غیرمستقیم با مجوز و یا از طریق کانال قدرت مرکزی بین خود برقرار می‌کردند. اما با شکل‌گیری دولت - ملت‌ها و شکل‌گیری روابط بین کشورها بر اساس مناسبات بین دولت‌ها به واسطه دولت‌های مرکزی، ارتباطات بین شهری تحت‌الشعاع ارتباطات سیاسی و اقتصادی دولت‌ها قرار گرفت. این دوره با شکل‌گیری روند جهانی شدن و متکثر شدن عرصه روابط بین‌المللی و ورود بازیگران غیر دولتی و حتی غیر حکومتی به عرصه مناسبات بین کشوری تلطیف و دستخوش تحول گردید. در نتیجه بار دیگر ارتباط بین شهرها منتهی با محتوا و شکلی کاملاً بدیع و غیرقابل مقایسه با دوران باستان وارد عرصه مناسبات بین جوامع انسانی شده است در نتیجه این تحول، بنا به نظر بسیاری از صاحب‌نظران و محققین علوم شهری، تعداد قابل توجهی از شهرها که غالب آن‌ها کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ هستند به شهرهای جهانی و در نهایت جهان‌شهر تبدیل می‌شوند (قورچی - الف، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

در هر حال فرآیند جهانی شدن و فرامرزی شدن فرصت‌ها و چالش‌ها، باعث ظهور تحولات و مفاهیم جدیدی در عرصه جهانی شده است که در نتیجه این تحول، بنا به نظر بسیاری از صاحب‌نظران و محققین علوم شهری، تعداد قابل توجهی از شهرها که غالب آن‌ها کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ هستند به شهرهای جهانی و در نهایت جهان‌شهر تبدیل می‌شوند. شهرهای جهانی و جهان‌شهرها نقش مراکز ارتباطی و مدیریت منابع مالی و تکنولوژیکی را به خود اختصاص داده‌اند و سایر شهرها و مراکز سکونتی به عنوان اقمار و یا حاشیه آن‌ها عمل کرده، به کار تولید و یا فراهم‌آوری مواد اولیه تولید اختصاص خواهند یافت. این تقسیم نقش اگر چه ممکن است در سطوح ملی کشورها نیز رخ داده و یا در حال رخ دادن باشد، اما نقش شهرهای جهانی و جهان‌شهرها به سطوح ملی و یا حتی منطقه‌ای محدود نشده و به عنوان بازیگران جهانی عمل کرده و به همین طریق مدیریت شهری آن‌ها نیز نقش و اثرگذاری فراملی و جهانی خواهند یافت.

فضا به عنوان تجلی جغرافیای جامعه و زمینه‌ساز فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی، این دگرگونی‌ها را منعکس کرده و امکان ظهور و تداوم روابط نوین را فراهم می‌آورد. مهمترین پیامد فضایی جهانی شدن تغییر جغرافیای جهان به نفع شهرنشینی، رشد و توسعه مناطق کلانشهری، ظهور مناطق جدید صنعتی و پیدایش شهرهای جهانی به عنوان محل اصلی استقرار و راهبری علم و فن آوری پیشرفته، تولید و اقتصاد نوین و رقابت اقتصادی و فرهنگی در جهان، است (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران ۱۳۸۴: ۴۱).

از سوی دیگر شهرهای جهانی از زاویه دیگری نیز مورد توجه است، در واقع تمرکز بر شهر به عنوان واحد اقتصادی مستقل، اقتصاد یکپارچه ملی را به تنوعی از اجزاء در زیر مقیاس ملی در آورده که برخی در مفصل‌بندی کامل با اقتصاد جهانی و برخی منفصل از آن تجزیه خواهد شد. از اینرو جهانی شدن اقتصاد با خارج کردن شهرها از مقیاس زیر ملی و قرارداد آنها در مقیاس و قلمرو جهانی، موقعیتی رقابتی در میدان جهانی را برای آنها فراهم آورده است (ترشیزی، ۱۳۸۴: ۱۹۲). در این مقاله با توجه به نقش و ویژگی اقتصادی شهرهای جهانی در اقتصاد ملی کشور خود و حتی جهان به بررسی و تحلیل نقش شهرهای جهانی ۷ کشور صنعتی جهان یا گروه جی ۷ شامل: آمریکا، کانادا، فرانسه، انگلستان، آلمان، ژاپن و ایتالیا در قدرت ملی کشورها پرداخته می‌شود.

بحث نظری

واژه قدرت مترادف با مفاهیمی چون کنترل، اقتدار، فرمان، تسلط، اختیار قانونی و توانایی انجام قضاوت و داوری، به کار گرفته شده است (Gove, 1986: 1778-9). دیوید جابلنسکی قدرت را، استطاعت، توانایی یا قابلیت که به دارنده آن قوه تأثیرگذاری بر رفتار سایر بازیگران را در جهت اهدافش می‌بخشد، تعریف می‌کند (Jablonsky, 1997: 34). حافظنیا معتقد است: قدرت صفت و ویژگی یک موجود است که به او امکان انجام اقدامی را در جهت تمایلاتش و برآوردن خواسته‌ها و اهدافش می‌دهد (حافظنیا، ۱۳۸۶: ۲۰). پاتریک اُ سولیوان می‌گوید: قدرت چیزی است که یک فرد یا گروهی از مردم را قادر می‌سازد که اقدامی درباره دیگران انجام دهد (Sullivan, 1986: 77).

از سوی دیگر قدرت ملی به عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، یک ویژگی و صفت جمعی افراد یک ملت را منعکس می‌نماید و هم زمان به عنوان یک صفت فردی در رابطه با یک کشور و یک

دولت تجلی پیدا می‌کند. قدرت وقتی در قالب یک جامعه یا ملت نگریسته می‌شود از برآیند توانایی‌های آن جامعه، قدرت عمومی و کلی آن پدیدار می‌شود.

بنابراین مجموعه انسان‌هایی که تشکیل ملتی را داده که در شکل یک کشور سازمان سیاسی پیدا کرده‌اند دارای قدرتی هستند که از برآیند قوای ترکیب شده آنها بدست می‌آید و می‌توان آن را قدرت ملی آن کشور یا ملت دانست. چنین قدرتی حاصل ترکیب و جمع جبری وجوه مثبت و منفی عناصر و بنیان‌های قدرت آن کشور می‌باشد که از پویایی برخوردار بوده و نسبت به ملت‌ها و کشورهای دیگر قابل فهم و درک است. در تعریف قدرت ملی می‌توان گفت، قدرت ملی عبارت است از: مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد. یا اینکه قدرت ملی عبارت است از: «توانایی، قابلیت و ظرفیت یک ملت و یک کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود با هدف اعمال اراده ملی و تحصیل اهداف و منافع ملی» (حافظنیا، ۱۳۸۶: ۴۶).

از طرف دیگر قدرت ملی، دو بعد مجزا ولی مربوط به هم را نشان می‌دهد. یکی از این دو بعد، ظرفیت خارجی است که شامل ظرفیت یک کشور در تاثیر گذاشتن بر محیط بین‌المللی از طریق پتانسیل‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی است و بعد دیگر، بعد داخلی است که شامل ظرفیت یک کشور در تبدیل منابع جامعه به «دانش قابل اجرایی» است که بهترین فناوری نظامی و غیر نظامی ممکن را تولید می‌کند (تلیس و دیگران، ۱۳۸۳: ۵۶).

قدرت ملی ذاتا میل به بسط و گسترش دارد و ملت‌ها نیز به دنبال افزایش قدرت خود هستند. کشوری را نمی‌توان یافت که در صدد افزایش سطح قدرت ملی خود و ارتقاء موقعیت خود در نظام بین‌المللی نباشد. همچنان‌که افراد انسانی عمل می‌کنند، کشورها نیز برای دستیابی به قدرت بیشتر با هم رقابت می‌کنند و به دنبال کسب ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و توانایی‌های جدیدی هستند. در واقع قدرت ملی خصلتی پویا دارد و در عین حال که به صورت هدف ملی تجلی پیدا می‌کند در واقع وسیله‌ای است در دست دولت‌ها و رهبران سیاسی که از آن برای تحصیل هدف‌های ملی و حفاظت و بسط آن استفاده می‌نمایند (حافظنیا و همکاران، ۱۳۸۲: ۵۲).

از سوی دیگر اهداف و منافع ملی نیز خصلتی پویا دارند و دائم در حال تحول هستند. قدرت ملی و امنیت ملی جزو هدف‌های ملی محسوب می‌شوند که دولت‌ها سعی می‌کنند با استفاده از اهرم قدرت ملی آنها را تأمین کنند. در واقع دولت‌ها و رهبران سیاسی از آن برای تحصیل اهداف

ملی و امنیت ملی خود استفاده می‌کنند. شکل عینی و تجلی اصلی کاربری قدرت ملی در استراتژی ملی است که رهبران سیاسی کشور آن را برمی‌گزینند. در استراتژی ملی است که رهبران سیاسی الگوی بهینه کاربری قدرت ملی را برای دستیابی به اهداف ملی متعین و متجلی می‌کنند. از اینرو ضرورت بقای ملت و کشور و نیز سرافرازی ملی ایجاب می‌کند که ملت‌ها و دولت‌ها دائماً در تکاپوی حفاظت و توسعه قدرت ملی خود باشند چرا که علت بقا و سرافرازی ملی را نیز قدرت ملی تشکیل می‌دهد. از انگیزه‌های مهم برای کسب قدرت ملی کمبود منابع است به طوری که نبود منابع کافی در دسترس و تعارض منافی که در نائل آمدن به هدف‌ها وجود دارد سبب می‌شود برای تأمین هدف‌ها، انگیزه افزایش قدرت فعال شود (سیف‌زاده، ۱۳۶۸، زرقانی، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

از سوی دیگر در خصوص رابطه شهر با مناسبات اقتصادی باید اذعان داشت شهر، منطقه‌ای است که نسبت تولید و سایر عوامل تولید به زمین در آن بیشتر از نواحی همجوار است، به عبارت دیگر منطقه شهری جایی است که فعالیت اقتصادی در آن تمرکز زیاد دارد، در این منطقه تراکم جمعیت و اشتغال بسیار بیشتر از مناطق پیرامون است. مزیت عمده این تمرکز نیز دستیابی به صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس است و هزینه عمده آن ضرورت حمل و نقل مواد به مناطق شهری و از مناطق شهری است البته با پیشرفت‌های فنی در دو قرن اخیر مزایای شهرنشینی افزایش یافته و از هزینه‌های آن کاسته شده است (ادوین، همیلتون، ۱۳۷۵: ۴۴). به عبارت دیگر می‌توان گفت: سهم عمده‌ای از ثروت و درآمد کشورها در شهرها ایجاد می‌شوند. شهرها از نظر اقتصادی شرایطی را فراهم می‌آورند که بهره‌وری کلی و جزئی عوامل تولید می‌تواند بالقوه افزایش یابد (عسگری، ۱۳۸۰: ۱۰).

با آغاز قرن بیست و یکم و گسترش فزاینده جهانی شدن، موضوع قدرت ملی کشورها باتوجه به ظهور بازیگران جدید در عرصه بین‌الملل از اهمیتی بیش از پیش برخوردار شده است. در همین راستا برای ورود به بحث جهانی شدن ابتدا باید تعریف جامعی از آن ارائه کرد. اما ارائه تعریف جامع و مورد پذیرش عموم برای جهانی شدن، به دلیل اختلاف نظر میان پژوهشگران بر سر ماهیت آن، دشوار به نظر می‌رسد فریدمن یکی از برجسته‌ترین طرفداران رهیافت اقتصادی پدیده جهانی شدن، آن را این‌گونه تعریف می‌کند: ادغام سرسختانه بازارها، دولت‌های ملی و فناوری‌ها به درجه‌ای که پیش از این هرگز مشاهده نشده و افراد، شرکت‌ها و دولت‌های ملی را

قادر ساخته است تا دورتر، سریع‌تر، عمیق‌تر و ارزان‌تر از گذشته به اطراف جهان دست پیدا کند (Friedman, 2000: 7-8). از دید تافلر، دوران جهانی شدن، دوران دانایی است که نه تنها کالاها، خدمات و سرمایه‌ها در میان ملت‌های جهان به آسانی به گردش در می‌آید، بلکه اندیشه‌ها و دانش بشری نیز آسانتر و بی‌حد و مرزتر از گذشته مبادله می‌شود. گیدنز نیز جهانی شدن را فشردگی روابط اجتماعی می‌داند، به گونه‌ای که مکان‌های دور همچنان به هم می‌پیوندند و رویدادی در آن سوی جهان مایه شکل‌گیری رخدادهای محلی می‌شود (بهکیش، ۱۳۸۱: ۳۵). از سوی دیگر باید این به این مطلب نیز توجه داشت که جهانی شدن در شهرها خصوصاً در کلان‌شهرهای بزرگ اتفاق می‌افتد. نظام جهانی تولید، بازار، امور مالی، خدمات، ارتباطات، فرهنگ و سیاست در حال ظهور از نظر فضایی از طریق شبکه جهانی شهرها شکل می‌گیرد. تغییرات جهانی اقتصاد، فرهنگ و سیاست اثرات زیادی بر تجدید ساختار شهرها در اطراف جهان دارد (شورت، ۱۳۸۴: ۱۳). به تعبیر ساسن، جهانی شدن امکان القاء یا احراز کارکردهای تازه‌ای را برای شهرها فراهم کرده است (Sassen, 1991: 238)، که این کارکردها، شهر را مرکز بسیار متمرکز فرماندهی و اتصال با اقتصاد جهانی، مکان کلیدی برای تأمین سرمایه شرکت‌های خدمات تخصصی سطح بالا، محیط نوآوری‌ها در صنایع پیشرو و بازار مهم عرضه محصولات و نوآوری‌ها می‌نماید (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۶۵). در مجموع فرآیند جهانی شدن، خصوصیات عمده‌ای در کلانشهرها دارد که از جمله آنها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) کاهش تدریجی نقش دولت‌ها، به عنوان تنظیم‌کننده اقتصاد ملی و تمرکز قدرت اقتصادی در سازمان‌های بین‌المللی و مدیریتهای شهری؛

ب) جریان سرمایه، کالا، اطلاعات، نیروی کار و مردم فراسوی مرزها؛

ج) بهم آمیختگی عملکردی فعالیتهای اقتصادی در سطح شهرهای جهانی؛

د) توسعه شیوه سرمایه‌داری (مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۷۱: ۵۲).

ظهور شهرهای جهانی

واژه «شهر جهانی» برای اولین بار توسط «پاتریک گدس» در سال ۱۹۱۵ برای اشاره به آن دسته از شهرهای در حال رشد به کار رفت که گروه‌های وسیعتر یا منظومه‌های بزرگ را

در برمی گرفتند. در سال ۱۹۶۶ سر پیتروال کتاب شهرهای جهانی را به چاپ رساند و بدین ترتیب چگونگی گسترش سریع شهرهایی مانند نیویورک، لندن، پاریس، توکیو، مسکو و آمادگی آنها برای تبدیل شدن به شهرهای جهانی را مورد بررسی قرار داد. حال تشخیص داد که این شهرها مراکز بزرگ قدرت سیاسی و مقر اصلی حکومت‌های ملی و بین‌المللی، محل تجارت، تمرکز سرمایه و ارتباطات و مرکز تجمع استعدادهای درخشان در زمینه آموزش، تحقیق، هنر و فرهنگ هستند (Kam Ng & Hills, 2003:152). وی در همان کتاب ویژگی‌های اصلی شهرهای جهانی را خلاصه می‌کند (Hall, 1996:7-9). مرکزیت مهم سیاسی، مرکز سازمان‌های ملی و سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی، وجود اداره‌های مرکزی سازمان‌های تخصصی و سازمان‌های تجاری، مقر شرکت‌های چند ملیتی، مقر اصلی فعالیت‌های صنعتی، مرکز عمده خطوط هوایی، دریایی، راه‌آهن و خطوط زمینی، مرکزیت بانک‌ها و ادارات بیمه، مرکز خدمات پزشکی، درمانی و حقوقی، مقر دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی معتبر، وجود کتابخانه‌ها، موزه‌ها، مرکز تئاتر، اپراها و مراکز پذیرایی مشهور، مرکز اداره ناشران بزرگ، شرکت‌های توزیع آگهی و سازمان‌های معروف رادیویی، تلویزیونی و اطلاعات ماهواره‌ای، دارا بودن جمعیت زیاد و نیروی کار بین‌المللی، بالا بودن سهم خدمات از اشتغال در مقایسه با بخش صنعت، مراکز ارائه کالاهای تخصصی و خدمات پیشرفته، مرکز بازارهای بین‌المللی، مرکز برگزاری کنفرانس‌های صنعتی و تحقیقاتی.

در سال ۱۹۸۶ جان فریدمن و گوتزولف با مسلم فرض کردن فرضیه شهر جهانی پیتروال اظهار داشتند (Kam Ng & Hills, 2003:152-153) که بازساخت جدید (معاصر) کار در محدوده شهرها با شکل، فرم، میزان و وسعت ادغام آنها در اقتصاد جهانی مرتبط است و شهرها مقصد نهایی همه مهاجران داخلی و بین‌المللی هستند، شهرهای کلیدی همچون گره‌های حیاتی در سازمان فضایی و مراکز تولید و بازارهای مورد توجه سرمایه بین‌المللی عمل می‌کنند و پیوندهای ایجاد شده امکان شکل‌گیری سلسله مراتب فضایی برای شهرهای جهانی را فراهم می‌سازد، کارکردهای کنترل جهانی به واسطه تعداد دفاتر منتخب شرکت‌های ارتباطاتی به نحو مطلوبتری قابل اندازه‌گیری است، شهرهای جهانی صحنه و میدان تمرکز و انباشت سرمایه بین‌المللی است، شکل‌گیری شهر جهانی سبب قطبی شدن فضا و رتبه می‌شود و بالاخره رشد شهر جهانی باعث ایجاد هزینه‌های اجتماعی در مقیاس‌هایی می‌شود که مستعد تجاوز از ظرفیت مالی دولت هستند. در نهایت

فریدمن در «فرضیه شهر جهانی» نشان داد که شهرهای جهانی مراکز کنترل و انباشت سرمایه‌های جهانی هستند و به‌طور مکرر ساختار اقتصادی ویژه‌ای را شکل می‌دهند (Taylor, 2002: 101). از سوی دیگر کاستلز پیامد فضایی جهانی شدن را در شهر اطلاعاتی جستجو می‌کند. به بیان کاستلز اقتصاد اطلاعاتی - جهانی پیرامون مراکز فرماندهی و کنترل سازمان یافته، که توانایی هماهنگی، نوآوری و مدیریت فعالیتهای درهم تنیده شبکه‌های شرکتها را دارا هستند. این وجه تولید الگوی فضایی متفاوتی را ایجاد کرده است که ویژگی آن پراکندگی و تمرکز همزمان خدمات پیشرفته است. این خدمات سهم خود را در اشتغال و تولید ناخالص داخلی اکثر کشورها به نحو چشمگیری افزایش داده‌اند، و در کلانشهرهای پیشتاز جهان بیشترین رشد اشتغال و بیشترین نرخ سرمایه‌گذاری را به خود اختصاص داده‌اند. این خدمات فراگیر بوده و بجز سیاه چاله‌های حاشیه‌نشین^۱ در سرتاسر سیاره زمین پخش شده‌اند (وبستر ۱۳۸۰: ۱۳۰). البته تمرکز سرمایه‌ها، موسسات مالی معتبر و خدمات تولیدی بزرگ در شهرها از جمله شهرهای جهانی صرفاً با عوامل اقتصادی توجیه نمی‌شود. منابع نهادی، پیوندهای اقتصادی در مقیاس‌های فضایی گوناگون و بافت سیاسی شهرها به‌طور قابل ملاحظه‌ای در فرایند تسهیل و تسریع‌کننده ارتباط با سیستم جهانی مؤثر است. امین (Amin) و ترفیت (Thrift) نیز بر اهمیت ساختار اجتماعی در ایجاد جامعه مدنی تأکید کرده و از آن به عنوان بنیان و شرط موفقیت اقتصادی در حفظ منزلت شهر جهانی یاد می‌کنند (Amin and Thrift).

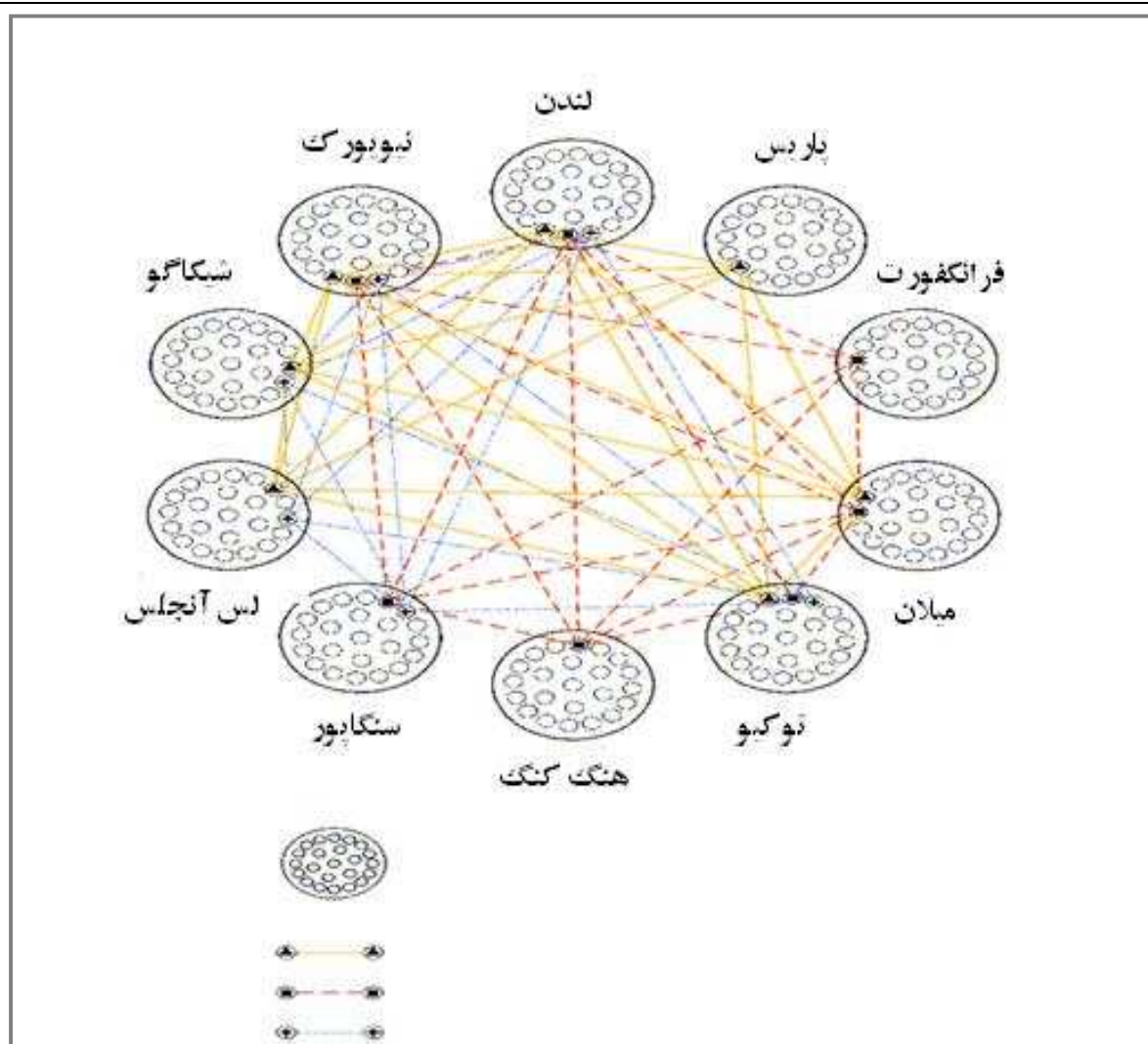
شهرهای جهانی؛ گره‌های حیاتی فضای جریان‌ها

با شکل‌گیری جهانی شدن معاصر و شبکه‌هایی که با استفاده از تکنولوژی ارتباطات شکل گرفته است برای شهرها این امکان بوجود آمده است که در پیوند با شبکه‌ها، وارد عرصه فضای جریان‌ها شوند و در درون شبکه جایگاهی را برای خود در اقتصاد جهانی کسب کنند. این جایگاه می‌تواند وزن و اهمیت شهرها را در اقتصاد جهانی تعیین کند. بر اساس تعریفی که رنه شورت^۲ ارائه کرده است چنین می‌توان گفت که حضور یک شهر در شبکه می‌تواند مبنای جهانی بودن آن شهر محسوب شود (Short, 2004: 2). به عبارت دیگر به مجرد اینکه یک کلانشهر وارد عرصه شبکه

۱. Black Holes اصطلاح رایج برای توصیف کلانشهرهای خارج از شبکه شهرهای جهانی در ادبیات جغرافیای شهری
2. Short, Renh

می‌شود در درون فضای جریان‌ها قرار گرفته و در جهانی شدن معاصر، نقشی جهانی به خود می‌گیرد در حقیقت شهرهای جهانی را باید به عنوان مکان‌ها و موقعیت‌هایی به حساب آورد که از طریق آنها مناطق وسیعی از جهان به فضای انباشت جهانی سرمایه می‌پیوندند. این شهرها گره‌های اصلی شبکه محسوب می‌شوند که هر اندازه یک گره در ساختار شبکه بتواند برخورد صمیمانه با سرمایه داشته باشد سرمایه و شرکت‌های چند ملیتی را به میزان بیشتری به سوی خود خواهد کشاند. در این وضعیت سرمایه می‌تواند به نحو کامل از این فرصت بهره‌مند و برخوردار شده و به راحتی شهری را از فرصت‌های توسعه در جهان برخوردار کند. بنابراین به محض اینکه شرایطی فراهم شد تا یک شهر بتواند در شبکه حضور یابد، شرکت‌ها می‌توانند در زمینه سرمایه‌گذاری در کارخانجات و تأسیسات جدید، در بُعد مقررات و اعطای کمک‌های بلاعوض و یا یارانه‌ها، یک شهر را در ساختار سلسله مراتب شبکه ارتقاء دهند و فرصت‌های فراوانی را در پیش روی شهروندان آن قرار دهند. به همین دلیل است که امروزه شهرهای جهانی به عنوان کانون‌های نوظهور قدرت تجلی یافته و به شدت با یکدیگر در رقابت به سر می‌برند، چرا که تغییر در گره‌های شبکه، یعنی جابجایی مکان‌های شهری و ظهور و سقوط آنها در ساختار سلسله مراتب شبکه است. از این رو مکان‌ها به عنوان نقاط گرهی در ساختار شبکه و در رقابت با سایر گره‌ها، ممکن است در فضای جریان‌ها دچار ضعف شده که پیامد آن منجر به زوال اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی آن می‌شود (قورچی، ۱۳۸۸: ۱۱). تیلور معتقد است که در عصر اطلاعات که هم اکنون در آن به سر می‌بریم، دانش بیش از هر زمانی نشان‌دهنده قدرت است که آن نیز در جهان شهرها جای گرفته است. تمرکز دانش به ویژه در خدمات تولیدی پیشرفته همچون؛ حسابداری، تبلیغات، فعالیت‌های بانکی و مالی، بیمه، حقوق، مشاوره‌های مدیریتی سبب شده است تا اقتصاد جهانی در عملکرد بسیار توانا جلوه کند (Taylor, Johnston, 2001: 7).

در شکل زیر بخش کوچکی از شبکه شهرهای جهانی به صورت یک شبکه بهم پیوسته و نمونه‌ای از پیوستگی ده شهر برتر جهانی (گروه آلفا) را به صورت مجموعه شرکت‌های تولیدکننده خدمات پیشرفته در شهرها که در سه زمینه دفاتر تبلیغات و پیوندهای آن، دفاتر بانکی و دفاتر حقوقی که در اکثر شهرهای جهانی بصورت شبکه‌ای به هم تنیده در سطح منطقه‌ای و جهانی فعالیت می‌کنند را مشاهده می‌کنیم.



شکل ۱: بخش کوچکی از شبکه شهرهای جهانی به عنوان یک شبکه بهم پیوسته:

ده شهر گروه آلفا و سه شرکت تولیدکننده برتر خدمات جهانی

مجموعه شرکت‌های تولیدکننده خدمات پیشرفته در شهرها

دفاتر تبلیغات و پیوندهای آن، دفاتر متصل بانک در لندن و دفاتر حقوقی و پیوندهای آن

منبع: (Taylor, 2001: 194)

یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن

رتبه‌بندی شهرهای جهانی

شهرهای جهانی را اغلب بر مبنای قدرت اقتصادی - سیاسی و اندازه سهمی که در شکل‌گیری شبکه‌های جهانی دارند، طبقه‌بندی می‌کنند. با ملحوظ داشتن نتایج مطالعات افرادی چون فریدمن و ساسن که از نظریه‌پردازان مهم شهرهای جهانی به حساب می‌آید، کامل‌ترین طبقه‌بندی را از این نظر گروه تحقیقات شهرهای جهانی و جهانی شدن دانشگاه لاف برو^۱ ارائه داده‌اند. این طبقه‌بندی شهرهای جهان را در سه رده آلفا، بتا و گاما تقسیم کرده و شهرها را از

1. Loughborough

نظر دارا بودن ارزش‌های جهان‌شهری از ۱۲ به ۱ مرتب کرده است.

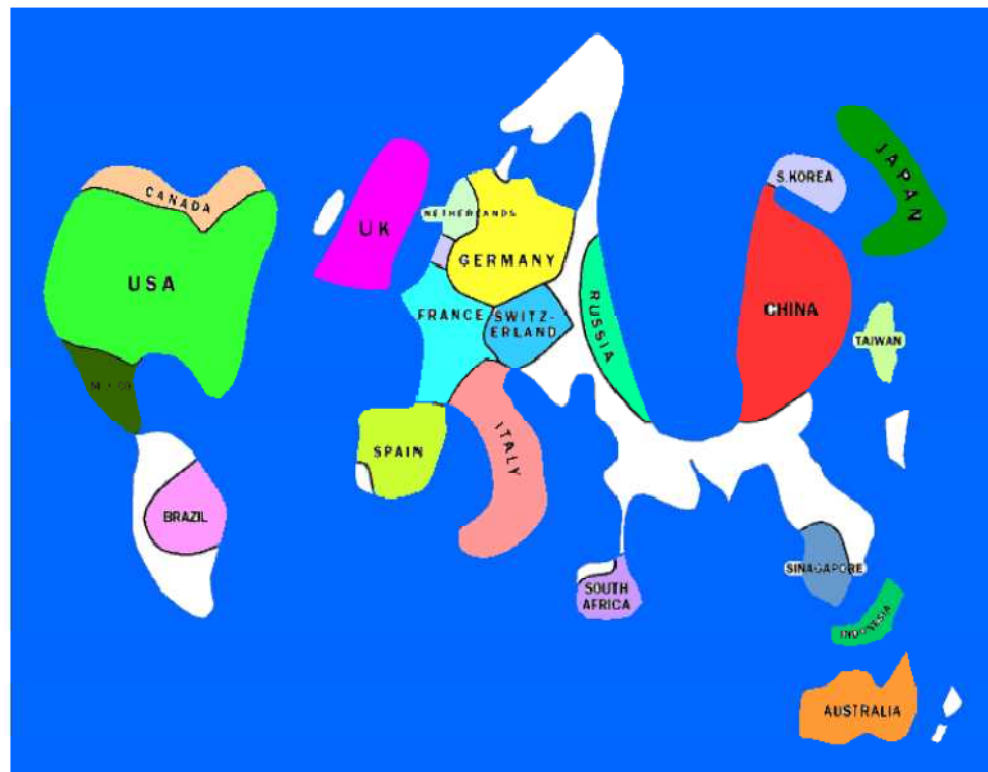
جدول ۱: فهرست شهرهای جهانی بر اساس امتیاز ۱ تا ۱۲ از لحاظ جهانی بودن

نام شهر	میزان امتیازات	طبقه بندی شهرها
لندن، پاریس، نیویورک، توکیو	۱۲	شهرهای جهانی آلفا
شیکاگو، فرانکفورت، هنگ کنگ، لس آنجلس، میلان، سنگاپور	۱۰	
سانفرانسیسکو، سیدنی، تورنتو، زوریخ	۹	شهرهای جهانی بتا
بروکسل، مادرید، مکزیکوسیتی، ساوپولو	۸	
مسکو، استول	۷	شهرهای جهانی گاما
آمستردام، بوستون، کاراکاس، دالاس، دوسلدروف، ژنو، هاستون، جاکارتا، ژوهانسبورگ، ملبورن، اوزاکا، پراگ، تایپه، سانتیاگو، واشنگتن	۶	
بانکوک، پکن، استکهلم، ورشو	۵	
آتلانتا، بارسلون، برلین، بوینس آیرس، بوداپست، کپنهاگ، هامبورگ، استانبول، کوالالمپور، مانیل، میامی، مینه پولیس، مونترال، مونیخ، شانگهای	۴	
اوکلند، دوبلین، هلسینکی، لوگزامبورگ، لیون، بمبئی، دهلی نو، فیلادلفیا، ریودوژانیرو، تل آویو، وین	شواهد نسبتاً قوی (۳)	شهرهای دارای شواهد نسبتاً قوی تا کمترین شواهد از لحاظ جهانی بودن
ابوظبی، آلماتی، آتن، بیرمنگام، بوگو تا، براتیسلاوا، بریسان، بوخارست، قاهره، کلیولند، کولون، دترویت، دبی، شهر هوشی مینه، کیف، لیما، لیسبون، منچستر، مونته ویدئو، اوسلو، رتردام، ریاض، سیاتل، اشتوتگارت، لاهه، ونکوور	شواهد نسبی (۲)	
آدلاید، آنتورپ، آروس، بالتیمور، بنگالور، بولونا، بریلیا، کالگری، کیپ تاون، کلمبو، کلمبوس، درسدن، ادینبرگ، جنوا، گلاسکو، گوتنبرگ، کوانگ زو، هانوی، کانزاسیتی، لیدز، لیل، مارسی، ریچموند، سن پیتزبورگ، تاشکند، تهران، تیوانا، تورن، اوترخت، ولینگتون	کمترین شواهد (۱)	

منبع: (اسکات، ۱۳۸۴: ۷۹ و ۸۰)

تعداد شهر جهانی و قدرت اقتصادی

ساسکیا ساسن معتقد است نبض اقتصاد جهانی در شهرهای جهانی می‌تپد چرا که شهرهای جهانی تکیه‌گاه‌های مکانی تعاملات اقتصادی در سطح جهان هستند. بر همین اساس تیلور جهانی اندیش جغرافیای سیاسی نقشه‌ای از کشورها را ارائه داده است که در آن هر کشور با توجه به تعداد شهرهای جهانی، میزان عملکرد و تأثیرگذاری خود را در اقتصاد جهانی نشان می‌دهد. در واقع این نقشه نشان‌دهنده جایگاه کشورها بر اساس میزان حضور آنها در اقتصاد جهانی و فضای جریان‌هاست، به عنوان مثال در این نقشه ایالات متحده آمریکا بیشترین حضور را با توجه به شهرهای جهانی در فضای جریان‌ها و اقتصاد جهانی دارد و سایر کشورها نیز به میزان تعداد شهرهای جهانی که از آنها در شبکه وجود دارد وزن اقتصادی ویژه‌های را به خود اختصاص داده‌اند (نقشه شماره ۱).



نقشه ۱: تعداد شهرهای جهانی و قدرت ملی کشورها

(قورچی، ۱۳۸۸، ۷: Taylor, 2000)

در میان شاخص‌های اقتصاد کلان، تولید ناخالص داخلی^۱ (GDP) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا نه تنها به‌عنوان مهم‌ترین شاخص عملکرد اقتصادی در تجزیه و تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه بسیاری از دیگر اقلام کلان اقتصاد محصولات جنبی محاسبه و برآورد آن محسوب می‌شوند. بر اساس جدول ۱، همانطور که مشاهده می‌شود نسبت تولید ناخالص داخلی شهرهای جهانی به کل کشور بیانگر نقش این شهرها در میزان رشد اقتصادی ملی خود است. این شهرها توانسته‌اند با جذب سرمایه‌های جهانی به‌عنوان شاهراه اصلی گردش اقتصاد جهان نقش آفرینی کنند و به‌عنوان قلب اقتصاد جهانی عمل کنند. به‌طور مثال شهر نیویورک با حدود ۱۹ میلیون نفر جمعیت توانسته است بیش از کشور هند با حدود ۱.۲ میلیارد نفر جمعیت در تولید ناخالص داخلی کشور خود سهمیم باشد. شهرهای جهانی در ایالات متحده آمریکا با تعداد ۱۱ شهر توانسته‌اند حدود ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص دهد که این امر بیانگر مشارکت اقتصادی بالای این شهرها در اقتصاد ملی می‌باشد. این وضعیت نیز به ترتیب در سایر کشورهای مورد بررسی به وضوح قابل مشاهده است. نکته جالبی

۱. Gross Domestic Product - کل ارزش محصولات نهایی تولیدشده توسط واحدهای اقتصادی مقیم کشور در دوره زمانی معین (سالانه یا فصلی) را تولید ناخالص داخلی می‌نامند.

که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود اینست که کشور ژاپن نیز با دارا بودن ۲ شهر جهانی (توکیو و اوزاکا) توانسته است حدود ۳۷ درصد تولید ناخالص داخلی دومین قدرت برتر اقتصادی جهان در خود تولید کنند. همین روند انبوه تولید و کسب درآمد ملی در سایر کشورهایی که شرایط لازم برای شکل‌گیری شهرهای جهانی را فراهم کرده‌اند به وضوح مشاهده می‌شود.

جدول ۲: شهرهای جهانی در کشورهای مقتدر

کشورها	تعداد شهر جهانی	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	جهان شهرها	تولید ناخالص داخلی جهان شهرها (میلیارد دلار)
ایالات متحده آمریکا	11	14,369	آتانتا	304
			بوستون	363
			شیکاگو	574
			دالاس	304
			هوستون	292
			لوس آنجلس	792
			میامی	292
			مینیاپولیس	194
			نیویورک	1,406
			سانفرانسیسکو	301
			واشنگتن دی‌سی	375
ژاپن	2	5,067	توکیو	1,479
			اوزاکا	417
آلمان	5	3,346	برلین	95
			دوسلدورف	*
			فرانکفورت	290
			هامبورگ	74
			مونخ	64
فرانسه	1	2,649	پاریس	564
انگلستان	1	2,174	لندن	565
ایتالیا	2		میلان	115
			روم	144
کانادا	2	1,499	تورنتو	253
			مونترال	132

برای اثبات موارد ذکر شده در جدول فوق باید توجه داشت به مطالعات انجام شده، توسط شرکت پرایس واتر هاوس کوپرز^۱ - که یکی از شرکت های بزرگ خدمات مشاوره مالی، مالیات و حسابرسی در جهان است - مطالعات مذکور نشان می دهد شهرهایی که بیشترین تعاملات اقتصاد جهانی را به دست گرفته اند و به عنوان یک شبکه در فضای جریانها به ایفای نقش می پردازند برای جذب بیشتر فعالیت های اقتصادی به طور مستمر با یکدیگر در رقابت به سر می برند. در جدول شماره ۳ موقعیت جهان شهرتوکیو و ۲۹ شهر جهانی دیگر، از نظر تولید ناخالص داخلی (GDP)، در بین منطقه های شهری جهان نشان داده شده است. این جدول براساس آمارهای سال ۲۰۰۸ میلادی تنظیم شده است. در این جدول توکیو با ۳۵۰۲ میلیون جمعیت برابر با ۱۰۴۷۹ تریلیون دلار تولید ناخالص داشته است که در رأس کشورهای جهان قرار دارد. و پس از آن به ترتیب شهرهای نیویورک، لوس آنجلس، و لندن در رتبه های بعدی قرار دارد. نکته مورد توجه در جدول مذکور ظهور شهرهای جهانی جدید و همچنین نوسان در رتبه بندی آنها در سال ۲۰۲۵ است، که دلیل اصلی آن را می توان ایجاد شرایط لازم توسط حاکمیت کشورها برای رقابت شهرهای جهانی در عرصه های فراملی و برخورد صمیمانه این شهرها با سرمایه های جهانی، نام برد.

جدول ۳: رتبه‌بندی تراکم تولید ناخالص داخلی ۳۰ مرکز شهری در سال ۲۰۰۸ و پیش‌بینی سال ۲۰۲۵

رتبه در سال ۲۰۰۸	رتبه‌بندی شهرها براساس GDP ۲۰۰۸	GDP در سال ۲۰۰۸	رتبه در سال ۲۰۲۵	پیش‌بینی رتبه شهرها براساس GDP ۲۰۲۵	سال ۲۰۲۵ GDP	درصد نرخ رشد واقعی GDP (2009-2025)
1	توکیو	1479	1	توکیو	1981	1.7
2	نیویورک	1406	2	نیویورک	1915	1.8
3	لوس آنجلس	792	3	لوس آنجلس	1036	1.6
4	شیکاگو	574	4	لندن	821	2.2
5	لندن	565	5	شیکاگو	817	2.1
6	پاریس	564	6	سائوپائولو	782	4.2
7	اوزاکا	417	7	مکزیکوسیتی	745	3.9
8	مکزیکوسیتی	390	8	پاریس	741	1.6
9	فیلا دلفیا	388	9	شانگهای	692	6.6
10	سائوپائولو	388	10	بوینس آیرس	651	3.5
11	واشنگتن دی سی	375	11	مومبایی (بمبئی)	594	6.3
12	بوستون	363	12	مسکو	546	3.2
13	بوینس آیرس	362	13	فیلا دلفیا	518	1.7
14	دالاس	338	14	هنگ کنگ	506	2.7
15	مسکو	321	15	واشنگتن دی سی	504	1.8
16	هنگ کنگ	320	16	اوزاکا	500	1.1
17	آتلانتا	304	17	پکن	499	6.7
18	سانفرانسیسکو	301	18	بوستون	488	1.8
19	هوستون	297	19	دهلی	482	6.4
20	میامی	292	20	دالاس	454	1.8
21	سئول	291	21	گوانگژو	438	6.8
22	تورنتو	253	22	سئول	431	2.3
23	دیترویت	253	23	آتلانتا	412	1.8
24	سیاتل	235	24	ریودوژانیرو	407	4.2
25	شانگهای	233	25	سانفرانسیسکو	406	1.8
26	مادرید	230	26	هوستون	400	1.8
27	سنگاپور	215	27	میامی	390	1.7
28	سیدنی	213	28	استانبول	367	4.2
29	مومبایی	209	29	تورنتو	352	2
30	ریودوژانیرو	201	30	قاهره	330	5

منبع: <http://www.pwc.com/gx/en/press-room/۲۰۰۹/largest-city-economies-uk.jhtml>

باتوجه به اطلاعات و ارقام ذکر شده جدول فوق باید اذعان داشت که شهرهای جهانی همچون گره‌های حیاتی در سازمان فضایی و مراکز تولید و بازارهای مورد توجه سرمایه بین‌المللی عمل می‌کنند و پیوندهای ایجاد شده امکان شکل‌گیری سلسله مراتب فضایی برای این شهرها را فراهم می‌سازد، در هر حال کارکردهای کنترل جهانی به واسطه تعداد دفاتر منتخب شرکت‌های ارتباطاتی به نحو مطلوبتری قابل اندازه‌گیری است، به عبارت دیگر این شهرها صحنه و میدان تمرکز و انباشت سرمایه بین‌المللی هستند، که در ازاء خدماتی که به اقتصاد جهانی ارائه می‌کنند، از مزایایی نظیر قدرت کنترلی و مدیریت فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در گستره جهانی نیز برخوردار می‌شوند. آنها به دلیل در اختیار داشتن زیرساخت‌های ارتباطی و حمل و نقل و فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی، تسهیلاتی را برای سرمایه‌های جهانی در جهت کنترل و مدیریت سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های فراملی در سطح جهان، فراهم می‌کنند. این تسهیلات منجر به استقرار نمایندگی شرکت‌های فراملی در برخی شهرهای بزرگ جهان شده است.

نتیجه‌گیری

شهرها از دیرباز کانون تحولات بشری بوده‌اند و ارتباطات تجاری، فرهنگی و اجتماعی بین جوامع را به صورت مستقیم و غیرمستقیم با مجوز و یا از طریق کانال قدرت مرکزی بین خود برقرار می‌کردند. امروزه نیز شهرهای جهانی و جهان‌شهرها نقش مراکز ارتباطی و مدیریت منابع مالی و تکنولوژیکی را به خود اختصاص داده‌اند و سایر شهرها و مراکز سکونتی به عنوان اقماری و یا حاشیه آن‌ها عمل کرده، به کار تولید و یا فراهم‌آوری مواد اولیه تولید اختصاص خواهند یافت. در این تقسیم نقش، شهرها به عنوان بازیگران جدید، نقش مهمی در هم‌عرضه‌های ملی و هم‌عرضه‌های فراملی برعهده گرفته‌اند و به مثابه حلقه اتصال و کانون تعامل سازنده داخل و خارج کشور، به خدمت فرآیند توسعه ملی درمی‌آیند.

نگارندگان مقاله پس از بررسی جایگاه این شهرها در اقتصاد ملی و بر اساس شاخص‌هایی چون میزان تولید ناخالص داخلی و همچنین تعداد شهرهایی که به عنوان بازیگران عرضه فراملی به ایفای نقش می‌پردازند، به این نتیجه رسیده‌اند که این شهرها در وهله اول شهرهایی هستند که از نظر اقتصادی نقش تأثیرگذاری در اقتصاد ملی و قدرت ملی کشور خود داشته‌اند. بر همین اساس بین تعداد شهرهای جهانی یک کشور (از نظر نقش و عملکرد اقتصادی) با منزلت ژئوپلیتیکی آن

کشور در سیستم جهانی و منطقه‌ای رابطه مستقیمی برقرار است، به عبارت دیگر کشورها به میزان تعداد شهرهای جهانی که از آنها در شبکه وجود دارد وزن اقتصادی ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند، هر کشور با توجه به تعداد شهرهای جهانی، میزان عملکرد و تأثیرگذاری خود را در اقتصاد جهانی نشان می‌دهد. در واقع جایگاه کشورها بر اساس میزان حضور آنها در اقتصاد جهانی و فضای جریان‌هاست، به همین دلیل منزلت و اعتبار عمومی این کشورها در عرصه‌های اقتصادی و حتی سیاسی در بین سایر کشورها اعم از بزرگتر، همتراز و یا کوچکتر، بیشتر می‌شود و هر اندازه اعتبار و منزلت بیشتر افزایش پیدا کند، همان اندازه فرصت‌های جدید اعمال نفوذ بر فرآیندها، تصمیم‌سازی‌ها، اقدامات و رفتارها در مقیاس‌های مختلف محلی و همسایگی، منطقه‌ای و جهانی فراهم می‌آید و کشور می‌تواند به تدریج در جایگاه مدیریت، رهبری فرایندها و کنش‌های جمعی قرار بگیرد و نقش سیاسی و بین‌المللی محوری ایفا کند. به عبارت دیگر موقعیت هر کشور در نظام بین‌الملل و سلسله مراتب قدرت جهانی بستگی به میزان قدرت ملی آن در بین کشورها دارد. در پایان چنین نتیجه می‌گیریم که شهرهای جهانی به این دلیل در قدرت ملی کشورهای خود مؤثرند که به مثابه‌ی مراکز فرماندهی اقتصاد جهانی و کانون‌های حیاتی جریان کالاها، افراد و عقاید، می‌توانند به تولید قدرت و فرصت‌سازی برای پیشبرد نقطه نظرات، سیاست‌ها، اهداف و برنامه‌های کشور خود در سطح منطقه‌ای و جهانی عمل کنند.

تقدیر و تشکر

نگارندگان لازم می‌دانند از دانشگاه خوارزمی به خاطر حمایت‌های معنوی قدردانی و سپاسگزاری نمایند.

منابع

۱. اسکات، آلن جان (۱۳۸۴)، شهر - منطقه‌های جهانی، ترجمه: پانته آ لطفی کاظمی، شهرداری تهران، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری؛
۲. بهکیش، محمد (۱۳۸۱)، اقتصاد ایران در بستر جهانی‌شدن، تهران، انتشارات نی؛
۳. پریرزادی، طاهر؛ حسینی‌امینی، حسن (۱۳۹۰)، تحلیل گرایش اقشار مختلف اجتماع به استفاده از سیستم حمل و نقل عمومی پس از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها (مطالعه موردی: مناطق ۲۲ گانه کلانشهر تهران)، دو فصلنامه مدیریت شهری، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۰؛
۴. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۹)، مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی، جلد یک، قم، سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور؛
۵. صرافی، مظفر (۱۳۷۹)، ضرورت بازنگری در نظام اداره کلانشهرهای ایران، با استفاده از تجارب جهانی، مجله آبادی شماره ۳۲؛
۶. قورچی، الف، مرتضی، مالکی، جواد (۱۳۸۸)، رقابت کلانشهرها در عرصه‌های فراملی با استفاده از ابزار استراتژی‌یابی، دومین همایش مالیه شهری، مشکلات و راهکارها، شهرداری تهران؛
۷. قورچی، مرتضی و همکاران (۱۳۸۸)، جهان شهرها و گروه اقتصادی G۲۰، تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران؛
۸. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران (۱۳۷۱)، مدیریت شهری در ۱۹ شهر مهم دنیا، شهرداری تهران
۹. چشم‌انداز نقش ملی و فراملی تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران؛
۱۰. احمدی ترشیزی، میترا (۱۳۸۴)، الزامات پایداری شهر تهران با تأکید بر سرشت جغرافیایی شهرهای - جهانی رساله دکتری جغرافیا برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۴؛
۱۱. وبستر، فرانک، نظریه‌های جامعه اطلاعاتی ترجمه اسماعیل قدیمی، قصیده سرا، تهران ۱۳۸۰
۱۲. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۶)، قدرت و منافع ملی مبانی، مفاهیم و روش‌های سنجش، تهران: نشر انتخاب؛
۱۳. اشلی تلیس و دیگران (۱۳۸۳)، سنجش قدرت ملی در عصر فراصنعتی، نظارت و ترجمه مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛
۱۴. حافظ‌نیا، محمدرضا، و دیگران، (۱۳۸۲) تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، نشریه علوم جغرافیایی، دانشگاه تربیت معلم،
۱۵. میلز ادوین و بروس همیلتون (۱۳۷۵)، اقتصاد شهر، ترجمه عبدالله کوثری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران؛
۱۶. عسگری، علی، (۱۳۸۰)، مدیریت شهر (خط‌مشی‌ها و نوآوریها در کشورهای در حال توسعه)، شهرداری تهران؛

17. Friedman, T.L. (2000), *The Lexus and The Olive Tree*. New York, Farrar. (Giroux);
18. Hall, Peter: 1996, *The world cities*, McGraw-Hill;
19. Sassen, Saskia, (1991), *The Global City*. Princeton University Press. Princeton;
20. Sassen, Saskia (2001), *The Global City :New York, London, Tokyo*, Princeton University Press;
21. Sim, Loo-Lee and others: Singapore s competitiveness as a global city, development strategy, institutions and business environment, *Journal of Cities*, Vol.20, No.2;
22. World Development Indicators database, (2008), World Bank;
23. Amin, A and Thrift, N(1994), *Globalization, Institutions and Regional Delovelment in Europe*, Oxford University Press, Oxford;
24. Divid, Jablonsky. National power. parameters, Spring 1997, p. 34;
25. GaWC: Globalization and World Cities, 23 November 2005, Inventory of World Cities;
26. Gove. P. B. Webster s Third New International Dictionary. MERRIAM. Webster;
27. <http://www.pwc.com/gx/en/press-room/2009/largest-city-economies-uk.jhtml>;
28. J.V. Beaverstock, R.G. Smith and P.J. Taylor,(2011), *Cities*, Volume 28, Issue 3, Pages 221-280;
29. Kam Ng, Mee and Peter Hills:, 2003, World cities or great cities? A comparative study of five Asian metropolises, *Journal of Cities*, Vol.20, No.3;
30. O Sullivan, P. *Geopolitics*. Croom Helm: London, 1986,p.77;
31. P.J. Taylor. (2001), *Geographical Analysis*, 33 (2), 181-194;
32. Short, R,J:(2004) *Global Metropolitan*: Routledge;
33. Taylor, Peter. J- D.R.F.(2002) walker and J.V. Beaverstocks: firms and Their global service networks, from global networks, edited by saskia sassen, ROUTLEDGE;
34. Taylor, Peterr, and Johnston R.J, Watts, Michael J: *Globalization/ Geography*: Black Well Publisher, 2001.